



مجسمه ابوالحسن خرقانی در مجموعه آرامگاهش



قبر بایزید بسطامی در گوشه‌ای از حیاط بنا قرار گرفته است

نمایی از باغ و ورودی آرامگاه ابوالحسن خرقانی



خوش آمد می‌گوید. نمی‌دانم این قضیه چقدر صحت دارد ولی گفته می‌شود این دوشیر همواره مرید و در خدمت و رام این عارف بزرگ بوده‌اند.

ابوالحسن خرقانی قرن چهارم در خرقان از ایالت قومس به دنیا آمد و از آنجا که هم‌عصر بایزید بسطامی بود، سال‌ها در محضر این عالم بزرگ علم و طریق تصوف آموخت. این دانشمند و عارف بزرگ، در علم و عرفان به چنان مقامی رسیده بود که نه تنها عارفان و دانشمندان بزرگی چون بوعلی سینا، ناصر خسرو، ابوسعید ابی‌الخیر، خواجه عبدالله انصاری و... به محضرش حضور می‌یافتند که بزرگ‌ترین مقام سیاسی کشور یعنی سلطان محمود غزنوی نیز به درگاهش می‌رفته و در امور مختلف با وی صلاح و مصلحت می‌کرده و احترام بسیار برای وی قائل بوده است. شاید همه ما خرقانی را با این جمله معروفش بشناسیم، «هر که در این سرا در آید نانش دهید و از ایمانش بپرسید، چه آن کس که به درگاه باری تعالی به جان ارزد البته بر خوان بوالحسن به نان ارزد». این سخن ارزشمند تنها گوشه‌ای از بلند نظری و آزاداندیشی این عارف بزرگ است و بی‌دلیل نیست که گفتار و کراماتش هزار سال است سرمشق عارفان نامدار پس از خود بوده و هست.



این اندیشمند بزرگ سال ۴۲۵ در ۷۳ سالگی در زادگاه خود قلعه‌نو خرقان چهره در نقاب خاک کشید، اما مقبره فعلی وی در سال ۱۳۵۲ بر خرابه‌های مقبره قدیمی‌اش ساخته شد. درست در مکان فعلی آرامگاه، مسجد ایلخانی بوده که از آن تنها محرابی باقی مانده بوده؛ محرابی که امروز در ساختمان جدید مقبره و به عنوان قبه‌گاه جای گرفته است. سنگ قبر مرمرین عارف، در وسط آرامگاهش زیر سقفی زیبا قرار دارد.

باغ مقبره خرقانی با جوی روان آن که از بین درختان سرسبز سرازیر و در مسیری پلکانی جاری می‌شود و موسیقی خوش آن با آواز پرندگان باغ آمیخته می‌شود، هر گردشگری را سر ذوق می‌آورد.

امادر بین همه این زیبایی‌ها آنچه بیش از هر چیزی به دل می‌نشیند، همان یک جمله کوتاه و تاریخی این انسان بزرگ است که لایه‌های عمیق انسان دوستی را در خود جای داده؛

«هر که در این سرا در آید، نانش دهید و از ایمانش نپرسید...».

**از بسطام خارج شده و به روستای قلعه‌نو خرقان (که البته الان به شهر تبدیل شده) می‌رویم؛ جایی که یکی دیگر از بزرگان و نامداران این خطه را در خود پرورانده؛ مقبره ابوالحسن خرقانی**



محراب مسجد بایزید نیز دارای تزئینات زیبایی از کاشی‌کاری، آجرکاری و مقرنس‌کاری است. داخل مسجد نیز از تزئینات گچبری و مقرنس‌کاری برخوردار است و در این میان در و پنجره‌های مثبت‌کاری مسجد بسیار چشم‌نوازند. بنای مهم دیگر مجموعه، مسجد جامع بسطام است که در اندک فاصله‌ای از مجموعه بایزید قرار دارد؛ یادگاری از قرن هفتم و دارای محرابی مزین به گچبری‌های زیبا که هنوز نمازهای جماعت و نماز جمعه در آن برگزار می‌شود.

در اندک فاصله‌ای از مسجد جامع، برج کاشانه قرار دارد؛ بنایی جامانده از دوران ایلخانی که معماری‌اش جالب توجه است. این برج از درون ۲۴ متر و از بیرون ۲۰ متر ارتفاع دارد و به لحاظ شکل هندسی سی‌ضلعی و بنایی دندان‌دار است. بازدید از داخل برج امکان‌پذیر نیست اما گفته می‌شود در داخل برج سردابی قرار دارد که با پله‌هایی می‌توان به بلندای آن رسید.



علاوه بر بناهای یاد شده که همگی در کنار هم قرار دارند، بسطام که از دیرباز شهری مهم و تاریخی بوده، برج و بارو و قلعه‌ای داشته که امروز بخش‌های اندکی از آن باقی مانده‌اند. اما بسطام علاوه بر ابنیه تاریخی و میراث معنوی، به لحاظ طبیعی هم گنجینه‌های قابل توجهی دارد. این شهر به دلیل واقع شدن در دامنه‌های شاهوار در هر فصل سال میزبان کوهنوردان و طبیعت‌گردان بسیاری است. همچنین آبشار مجن در نزدیکی این شهر از نقاط ارزشمند طبیعی این منطقه است که دیدنش می‌تواند یک سفر تمام‌عیار را رقم بزند.

افزون بر این به دلیل وجود باغ‌های سرسبز در این منطقه، این شهر محصولات خشکبار فراوان دارد و نان شیرمال بسطام نیز دیگر سوغات ارزشمند آن است.



از بسطام خارج شده و به روستای قلعه‌نو خرقان (که البته الان به شهر تبدیل شده) می‌رویم؛ جایی که یکی دیگر از بزرگان و نامداران این خطه را در خود پرورانده؛ مقبره ابوالحسن خرقانی.

از در مقبره که وارد می‌شوی پس از عبور از پلکان باغ، مجسمه ابوالحسن خرقانی با چشمانی نافذ، کتاب بر دست و دوشیر نشسته در دو طرفش، گویی به میهمانانش